

## واکاوی نقادانه روش خاورشناسان در فهم احادیث در باره آموزه امامت

(مطالعه موردی کتاب راهنمای ربّانی در تشیّع نخستین)

مهیار خانی مقدم<sup>۱</sup>

محمد تقی دیاری بیدگلی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تأملی در روش خاورشناسان در فهم احادیث در حوزه امامت، به واکاوی نقادانه کتاب *راهنمای ربّانی در تشیّع نخستین* از محمّد علی امیرمعزی، استاد کرسی شیعه‌شناسی در دانشگاه سوربن فرانسه می‌پردازد. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که با وجود نقاط قوت در روش امیرمعزی، مانند استفاده از منابع معتبر و متقدم مرتبط، دقت در تطوّر معنایی اصطلاحات و تلاش برای تبیین سازمان یافته از مفهوم امام، برخی از آسیب‌ها مانند عدم دقت در استناددهی به منابع، استفاده ناصحیح از اصل تقیّه در توجیه برخی از احادیث، عدم تشکیل خانواده حدیث و معنایابی بدون استناد برای مفردات حدیثی، در روش وی قابل مشاهده بوده که منتج به ارائه برخی از آموزه‌های موهوم در باره آموزه امامت و ویژگی‌های امام گردیده است. *پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*  
*رتال جامع علوم انسانی*

کلیدواژه‌ها: فهم حدیث، خاورشناسان، شیعه‌شناسی، امامت، امیرمعزی.

### مقدمه

بر اساس اعتقاد شیعیان،<sup>۳</sup> آموزه امامت موجب تکمیل و ماندگاری دین اسلام گردید.<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکترای دانشکده اصول الدین (نویسنده مسؤول) (andqurani.qom@gmail.com).

۲. استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (mt\_diari@yahoo.com).

۳. *أصل الشیعة وأصولها*، ص ۶۸.

۴. *معانی الأخبار*، ص ۶۱.

این آموزه، دارای شواهدی از قرآن،<sup>۵</sup> سیره نبوی ﷺ،<sup>۶</sup> روایات<sup>۷</sup> و براهین عقلی، مانند پیشوایی امام،<sup>۸</sup> جانشینی پیامبر ﷺ،<sup>۹</sup> عدل خداوند<sup>۱۰</sup> و حفظ شریعت<sup>۱۱</sup> است. با توجه به کارکردهای مختلف آموزه امامت در جنبه‌های فردی-اجتماعی،<sup>۱۲</sup> جسمی-روحی<sup>۱۳</sup> و دنیوی-اخروی<sup>۱۴</sup> انسان‌ها، باید آن را الگویی بی‌بدیل در نظام مدیریتی و سیاسی دنیا دانست که با هماهنگی میان خرده سامانه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، راه سعادت و کمال فردی و اجتماعی را فراروی بشریت قرار می‌دهد.<sup>۱۵</sup>

جدائیت و کارکردهای آموزه امامت، توجه برخی از اندیشمندان و مردم از سایر ادیان را نیز به خود جلب کرده است. خاورشناسان<sup>۱۶</sup> پژوهش‌هایی را در این زمینه ارائه کرده‌اند که از جمله بن‌مایه‌های آنها، احادیث بوده و نکته مهم، مبانی و روش آنها در فهم احادیث است. امیرمعتز از جمله خاورشناسانی است که در باره آموزه امامت، پژوهش‌های قابل توجهی ارائه کرده است و پژوهش حاضر به منظور واکاوی نقادانه روش وی در فهم احادیث در باره آموزه امامت، به بررسی کتاب *راهنمای ربانی در تشیع نخستین* می‌پردازد.<sup>۱۷</sup>

۵. سوره مائده، آیه ۳.

۶. الغدیر، ص ۷۳-۱۴۷؛ *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ج ۱، ص ۴۸.

۷. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۶.

۸. الجمل، ص ۷۴.

۹. *أنوار الملکوت فی شرح البیاقوت*، ص ۲۰۲.

۱۰. *تقریب المعارف*، ص ۱۵۰.

۱۱. *الشافی فی الإمامة*، ج ۱، ص ۱۷۹.

۱۲. *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۶۷۷.

۱۳. *الغیبه (نعمانی)*، ص ۲۲۲.

۱۴. *تحف العقول*، ص ۴۴۱.

۱۵. «تحلیل راهبردی از امامت در دکتترین امام رضا علیه السلام»، ص ۲۷-۵۴.

۱۶. به تعبیر نگارنده، خاورشناسی در اصطلاح، فعالیت‌های علمی اندیشمندانی است که در فضای علمی غربی و شرقی، رشد یافته‌اند و به شناخت شناخته‌های بینشی (ناظر به عقاید و باورها)، گرایشی (ناظر به ارزش‌ها) و کنشی (ناظر به آداب، رسوم، الگوها و شیوه‌های عملی) مردم در کشورهای آسیای میانه و جنوبی و شمال آفریقا - که در بخش شرقی اروپا و آمریکا واقع شده‌اند - اهتمام دارند.

۱۷. سنجدیدن اثر و عملکرد یک خاورشناس - که روش مشخص و متفاوتی دارد - بر اساس نگرش یک محدث برای این مبناست که در مبحث مربوط، مبنا و منبع خاورشناس و محدث یکی بوده که همان منابع معتبر روایی است. همچنین بر اساس اصول عقلی، در هر کاری باید به متخصص آن کار رجوع شود که در فهم حدیث نیز این اصل، بدیهی به نظر رسیده و باید فرایند فهم حدیث توسط یک خاورشناس، در قالب چارچوبی که محدثان متخصص بیان کرده‌اند، تطبیق و سنجش شود.

تتبع نگارنده در باره پیشینه پژوهش بیان گران است که در باره واکاوی فقه الحدیث مستشرقان در حوزه امامت، پژوهش مستقلی تدوین نشده است. همچنین در باره کتاب مورد پژوهش نیز به غیر از دو مقاله «معرفی کتاب رهنمای الوهی در تشیع نخستین، ثمره کاربست روش پدیدارشناسی در پژوهشی در باب «امامیه نخستین»» و «ولایت در سپیده دمان شیعه اثنی عشری» که به معرفی کتاب مذکور و دو مقاله «پیشوای الهی در تشیع اولیه»<sup>۱۸</sup> و «نظریه امامت باطنی در تشیع نخستین» در بوته نقد<sup>۱۹</sup> که به نقد محتوایی کتاب مذکور پرداخته اند، پژوهشی تدوین نشده است.<sup>۲۰</sup> تفاوت پژوهش حاضر با مقالات یاد شده (فارسی و غیرفارسی) در اهتمام به نقد عملکرد و روش شناسی امیرمعزی با رویکردی به جنبه فقه الحدیث<sup>۲۱</sup> روایات مورد استناد وی است.

### ۱. امیرمعزی، زیست شناخت و چارچوب بینشی

امیرمعزی در سال ۱۹۵۶م، در تهران به دنیا آمد. وی دکترای خاورشناسی و مطالعات ادیان را در سال ۱۹۹۱م، از دانشگاه سوربن دریافت کرد و تز دکترای او «تفسیر شرعی و الهیاتی اسلام شیعی»<sup>۲۲</sup> بود. از استادان وی می توان به «کلود کحن»<sup>۲۳</sup> (در تاریخ)، «پل نویا»<sup>۲۴</sup> (در تصوف)، «دانیل ژیماره»<sup>۲۵</sup> (در کلام) و «هانری کربن»<sup>۲۶</sup> (در فلسفه و عرفان) اشاره کرد که البته وی بیشتر از کربن تأثیر پذیرفته و مسیر تحقیقاتی ایشان را البته با سلیقه خود، ادامه داده است. امیرمعزی علاوه بر تدریس در زمینه تفسیر، تاریخ قرآن و الهیات کلاسیک اسلامی و عضویت در مؤسسه مطالعات پیشرفته در دانشگاه اورشلیم، مشاورت علمی

۱۸. لازم به ذکر است که نویسنده مقاله مذکور در نقد جواب نقد دکتر امیرمعزی به مقاله حاضر، مقاله ای را در شماره ۵۷ مجله *نیران نامه* به چاپ رسانیده است.

۱۹. «نظریه امامت باطنی در تشیع نخستین در بوته نقد»، ص ۱۹۸-۱۷۳.

۲۰. در برخی از مقالات (انگلیسی و فرانسوی) به نقد روش پژوهش و برخی محتوای کتاب امیرمعزی پرداخته اند؛ به عنوان نمونه:

Chodkiewicz, Michele, «Le voyage sans fin», in Amir-Moezzi, studia islamica, vol 78, 1993.

۲۱. علمی است که به بررسی متن حدیث می پردازد و با ارائه مبانی و سیر منطقی فهم آن، مخاطب را به مقصود اصلی گوینده حدیث، نزدیک می گرداند (روش فهم حدیث، ص ۷-۶).

22. Interprétation religieuse et théologique de l'islam chiite.

23. Claude Cahen .

24 . Paul Nwyia.

25 . Daniel Gimaret.

26 . Hanri Corbin.

موسسه مطالعات اسماعیلی (لندن) و مدیریت در مدرسه «Pratique»، دارای کرسی تفسیر و الهیات اسلام شیعی است.<sup>۲۷</sup>

به نظر نگارنده، نمی‌توان از تأثیر مبانی بینشی خاورشناسان در روش آنها در فهم احادیث، چشم پوشید و می‌توان با بررسی سه مؤلفه، برجسته‌ترین مبانی نظری ایشان را به دست آورد:  
 ۱. «نقش اعتقادات مذهبی خاورشناسان در فهم مسأله امامت»: بدیهی است که خاورشناس نمی‌تواند امامت را کاملاً از منظر یک عالم شیعی بنگرد و چنانچه بی‌دین باشد یا به اندیشه‌های ماوراءستیز مسیحیت و یهودیت معاصریا آموزه‌های متناقض‌نمای مکاتب بشری اعتقاد داشته باشد، در فهم ظرفیت و کارکرد آموزه امامت و منشأ الهی آن، با چالش‌هایی رویارو خواهد شد. امیرمعزی، با وجود ولادت در یک خانواده شیعی،<sup>۲۸</sup> با تحصیل در فضای فکری غرب از آن تأثیر پذیرفته تا بدان جا که تصریح دارد فعالیت سیاسی امامان علیهم‌السلام از روی اجبار بود<sup>۲۹</sup> و قدرت گرفتن تدریجی فقها و جانشینی آنها به جای امامان علیهم‌السلام و شکل گرفتن مضامینی چون نیابت عامه و تقلید، طی چندین قرن صورت گرفته و موجب گسستگی و حتی تضاد با سنت اولیه شیعی دوازده امامی بود؛<sup>۳۰</sup> اما در نسبت با سایر خاورشناسان، نقاط قوت نگرش وی به آموزه امامت بیشتر است.

۲. «هدف پژوهش‌های خاورشناسان در باره آموزه امامت»: بدیهی است عملکرد خاورشناس بر اساس هدفش تغییر می‌کند. امیرمعزی تصریح دارد که «حقیقت» مضمون عظیمی است و امروزه دیگر هیچ پژوهش‌گر جدی نمی‌تواند در زمینه علمی خود، ادعای رسیدن به آن داشته باشد. به عقیده وی، «واقعیت» نیز انحصاری نیست و هر جریان دینی و مذهبی، بلکه هر متفکر مذهبی به واقعیت خویش قایل است و مورخ ادیان، حق قضاوت را میان این واقعیت‌ها ندارد. وی تصریح دارد که هدفش از پژوهش، کوششی برای گشودن رازها و فهم لایه‌های باطنی تعالیم منسوب به امامان، تا آن جا که متون معتبر اجازه می‌دهند، بوده است<sup>۳۱</sup> که این امر بیان‌گران است که امیرمعزی به دنبال ارائه معارفی است.

27. <http://lem.vjf.cnrs.fr/spip.php?article75&lang=fr>.

28. متن تقدیم کتاب مورد بحث از امیرمعزی به پدرش (مصطفی) به خوبی بیان‌گر این امر است.

29. The Divine Guide in Early Shi'is, p68.

30. Ibid, p133-141.

31. «ملاحظاتی در باره یک نقد»، شماره ۵۴، ص ۳۱۲-۳۱۳.

۳. «روش تحقیقاتی خاورشناسان برای تحلیل متون و مسائل»: می توان از تاریخی نگری<sup>۳۲</sup> و پدیدارشناسی<sup>۳۳</sup> به عنوان دو رویکرد برجسته در روش تحقیق پژوهش گران غربی در مطالعه مباحث اسلامی<sup>۳۴</sup> و به ویژه آموزه امامت<sup>۳۵</sup> نام برد. امیرمعزی تصریح دارد که روش تحقیق و نگرش وی، پدیدارشناسانه است<sup>۳۶</sup> که در آن، فهم جهان بینی و حساسیت معنوی مؤمنان به یک دین از طریق مطالعه عوامل درونی همان دین صورت می گیرد.<sup>۳۷</sup> در این روش، پژوهش گرتلاش می کند بدون دخالت دادن فرضیه ها و تحلیل ها، به جمع آوری و توصیف پدیده ها بپردازد.<sup>۳۸</sup>

## ۲. معرفی کتاب «راهنمای ربّانی در تشیع نخستین»

کتاب راهنمای ربّانی در تشیع نخستین، در سال ۱۹۹۲م، با عنوان «Le Guide Divin Dans le shi'ism Originel» به زبان فرانسوی و در سال ۱۹۹۴م، با عنوان «The Divine Guide in Early Shi'is» به زبان انگلیسی منتشر شد.<sup>۳۹</sup> محتوای علمی کتاب، مورد تأیید صاحب نظرانی مانند ژان ژولیوه،<sup>۴۰</sup> ویلیام چیتیک<sup>۴۱</sup> و اتان کلبگ<sup>۴۲</sup> قرار گرفته است.

این کتاب دارای یک پیش گفتار، چهار فصل: «بازگشت به منابع نخستین»،<sup>۴۳</sup> «وجود پیش از هستی امام»،<sup>۴۴</sup> «وجود کنونی امام»،<sup>۴۵</sup> «وجود ملکوتی امام»<sup>۴۶</sup> و یک نتیجه گیری و

32. Historicism.

33. Phenomenology

34. The Heart of Islam . Enduring Values for Humanity, p. viii.

35. «Phenomenology Versus Historicism: The Case Of Imamate», p63.

36. The Divine Guide in Early Shi'is, p65.

۳۷. «ملاحظاتی در باره یک نقد»، ص ۳۱۲.

۳۸. روش شناسی مطالعات دینی، ص ۳۲۴.

۳۹. از آن جا که ترجمه انگلیسی مورد قبول امیرمعزی بوده و وی براساس آن به برخی از نقدهای منتقدان پاسخ گفته است، به دلیل دقت بیشتر، بنای این مقاله بر متن انگلیسی کتاب است.

40. Jean Jolivet.

41. William Chittick .

42. Ethan Kohlberg .

۴۳. شامل مقدمه و بخش های «فهم قدسی و عقل»، «رازورزی و عقل ورزی»، «منابع مورد استفاده در کتاب» و «سرشت و حجیت روایات امامیه»، ص ۵-۲۸.

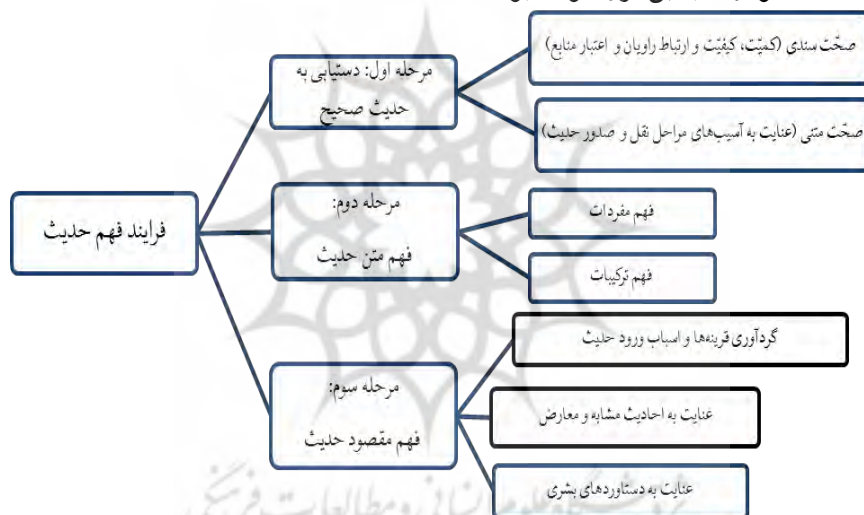
۴۴. شامل بخش های «عوالم پیش از این عالم، پرتوهدایت»، «آموزه ودیعه نهادن نور نبوت و امامت در نهاد آدم»،



یک پیوست<sup>۴۷</sup> است. امیرمعزی در این کتاب در تلاش است تا به بررسی و تحلیل نقادانه مجموعه‌های روایی - که در آغاز، سنت ائمه علیهم‌السلام را گرد آورند - پردازد و معتقد است که گوهر تشیع، اعتقاد به راهنمای ربانی است و فهم این مهم، با بررسی توصیف‌هایی که خود ائمه علیهم‌السلام از «امام» ارائه کرده‌اند، به دست می‌آید. هدف امیرمعزی در این کتاب به تصریح خودش، نمایاندن و تجزیه و تحلیل واقعیت امام‌شناسی در تشیع اولیه با استناد به قدیم‌ترین و مهم‌ترین متون بازمانده است.<sup>۴۸</sup>

### ۳. الگوی مبنا در فرایند فهم حدیث

الگوی مبنا برای تعیین مبنای سنجش روش امیرمعزی، فرایندی کلی برای فهم حدیث است<sup>۴۹</sup> که نمودار آن بدین قرار خواهد بود:



۴۵. مشاهده با قلب» و «حمل و ولادت امام» (ص ۲۹-۵۹).
۴۵. شامل بخش‌های «نکاتی در باره زندگی سیاسی ائمه»، «دانش قدسی»، «یادداشت‌هایی در باره «قرآن» و «قدرت قدسی» (ص ۶۱-۹۷).
۴۶. شامل بخش‌های «بررسی تاریخی روایات وارد در باره امام دوازدهم»، «امام و غیبت او: ابعاد رمزی» و «رجعت» و «قیام: ابعاد رمزی» (ص ۸۷-۱۲۳).
۴۷. برخی لوازم [اصل] غیبت: دین فردی و دین جمعی (ص ۱۳۳-۱۳۹).
۴۸. «ملاحظاتی در باره یک نقد»، ص ۳۱۲.
۴۹. نمودار مربوطه پس از مطالعه برخی از آثار برجسته در زمینه روش خوانش و فهم حدیث در میان صاحب‌نظران، مانند آثار و نظریات حجج اسلام مسعودی، دکتر نصیری، طباطبایی، دکتر میرجلیلی و آقای دکتر معاریان، با تأکید بردو کتاب روش فهم حدیث و آسیب شناخت حدیث دکتر عبدالهادی مسعودی به دست آمد.

#### ۴. واکاوی نقادانه عملکرد امیرمعزی در فهم احادیث

نقاط قوت و ضعف عملکرد امیرمعزی در فهم احادیث بر اساس نمودار پیشنهادی، بدین شرح است:

##### ۴-۱. مرحله اول: دستیابی به حدیث صحیح

هنگامی می‌توان به فهم متن حدیثی پرداخت که آن متن، به گونه‌ی یقین‌آوری، حدیث، بر اساس تعریف معتبر، بوده و از نظر سندی و متنی از وثاقت کاملی برخوردار باشد. بدین رو، دورویکرد اساسی در مرحله دست‌یابی به حدیث صحیح، تأیید «صحت سندی» و «صحت متنی» حدیث است.

##### ۴-۱-۱. شاخص اول: صحت سندی

برای تعیین صحت سندی یک حدیث، باید توجه وافری به کمیّت، کیفیت و ارتباط روایان یک حدیث و مصادر حدیثی داشت. امیرمعزی در بخش پایانی فصل اول خود به حجیّت روایات امامیه می‌پردازد و معتقد است در دوره نخست امامیه، تا پیش از دوره شیخ مفید، اسناد احادیث، بسیار کم اهمیّت بود. همچنین، ملاک اعتبار یک حدیث، همراهی با هویت بنیادین تعالیم امامان، توجه به ویژگی‌های راوی (مانند پذیرش ولایت ائمه علیهم‌السلام)، زهد و تقوای راوی و مطابقت محتوای حدیث با قرآن و سنت و تقابل آن با اهل سنت بوده است.<sup>۵۰</sup> بر اساس استنباط امیرمعزی، معیار قطعی صحت احادیث نزد امامان علیهم‌السلام، محتوا و معنای عمیق احادیث بوده<sup>۵۱</sup> و اعتبار یک حدیث، بیشتر از سند به محتوای آن وابسته است.

نظر امیرمعزی مبنی بر کم اهمیّت بودن اسناد حدیث نزد امامان علیهم‌السلام و پیروان ایشان، با تأملی در تأکید اهل بیت علیهم‌السلام به اسناددهی<sup>۵۲</sup> و صفات راوی،<sup>۵۳</sup> پای‌بندی اهل بیت علیهم‌السلام در نقل سند،<sup>۵۴</sup> تألیف آثار رجالی<sup>۵۵</sup> و حدیثی<sup>۵۶</sup> مسند پیش از سده چهارم هجری، اهتمام

50. The Divine Guide in Early Shi'is, p25.

51. Ibid, p26.

۵۲. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۵۲.

۵۳. منیة المرید، ص ۳۵۳.

۵۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۷.

۵۵. همانند کتاب رجال برقی که روایان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یکایک امامان علیهم‌السلام را معرفی کرده است.

۵۶. مانند کتاب صحیفه سجادیه: «اعتبارسنجی الصحیفه السجادیه»، ص ۳۲.

عملی محدثان شیعه به سند<sup>۵۷</sup> و دیدگاه‌های دانشمندان شیعه در خصوص اهمیت اسناد احادیث،<sup>۵۸</sup> نقض می‌گردد<sup>۵۹</sup> و بدیهی است که باید هر دو جنبه صحت سندی و متنی یک حدیث، مورد تأمل و بررسی قرار گیرد.

امیرمعزی در مجموع از بیش از ۵۴۰ منبع حدیثی و غیر حدیثی استفاده کرده است. وی منابع حدیثی خود را در قالب منابع اولیه، مانند: بصائر الدرجات از صفار قمی، الکافی از شیخ کلینی، الغیبه از نعمانی، کمال الدین و تمام النعمة، التوحید، من لایحضره الفقیه، الامالی، عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup>، صفات الشیعة، معانی الاخبار، الخصال و... از شیخ صدوق، زیارت از جعفر بن محمد قولویه، کفایة الأثری التّص على الأئمة الإثنی عشر<sup>علیهم السلام</sup> از علی بن محمد بن خزاز قمی رازی و منابع ثانویه، مانند: آثار منتسب به امامان<sup>علیهم السلام</sup> (صحیفه سجادیه، تفسیر منسوب امام حسن عسکری<sup>علیه السلام</sup> و...)، تفاسیر مفسران امامیه (مانند فرات کوفی، قمی، عیاشی و...) و منابعی که هنوز صحت آنان و انتسابشان، مورد اطمینان قرار نگرفته است<sup>۶۰</sup> (مانند نهج البلاغه از سیدرضی و اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب<sup>علیه السلام</sup> از مسعودی)، معرفی کرده است.<sup>۶۱</sup>

در باره منابع حدیثی در کتاب امیرمعزی و نحوه ارجاع به آنها، سه نکته قابل ذکر است:  
 ۱. از جمله نقاط قوت عملکرد امیرمعزی، کمیت منابع و کیفیت اکثر منابع وی است. وی در این خصوص تأکید داشته است:

دقت علمی چنین حکم می‌کند که برای شناخت مفهوم امام در تشیع اولیه (یعنی موضوع کتاب) باید حتی المقدور به قدیمی‌ترین منابع، رجوع شود، مگر آن که در زمینه‌ای مشخص، اطلاعات این گونه منابع، جزئی یا مبهم باشد که در آن صورت، آن هم با قید احتیاط برقراری شروط معین، می‌توان برای روشن شدن مطالب از متون متأخر استفاده کرد.<sup>۶۲</sup>

۲. مؤلفان اکثر منابع حدیثی امیرمعزی، مانند کلینی، شیخ صدوق، برقی، صفار و

۵۷. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۵۸. ربیع الابرار و نصوص الاخبار، ج ۴، ص ۱۸.

۵۹. نقد پنداره رویگردانی محدثان شیعه از اسناد، ص ۱۵۳-۱۳۱.

۶۰. این تعبیر از امیرمعزی است.

61. The Divine Guide in Early Shi'is, p20-23.

۶۲. «ملاحظاتی در باره یک نقد»، ص ۳۰۸-۳۰۷.



نعمانی از پرورش یافتگان حوزه‌های حدیثی قم وری هستند و عموماً ارتباط مستقیمی با امامان علیهم‌السلام و اصحاب امامان - که در مدینه و عراق بودند - نداشتند. بدین رو، لزوم عنایت به آثار اصحاب امامان و افرادی که با اصحاب امامان در ارتباط بودند، در نگرش کامل به آموزه امامت، بسیار مؤثر است؛ هر چند که امیرمعزی مدعی است از اواسط قرن چهارم، بر اساس دلایل تاریخی و مذهبی، شیخ مفید و پیروان او، مانند سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی تحت تأثیر مکاتب کلامی و روش استدلالی مکتب اعتزال، قرار می‌گیرند و مفهوم عقل به عقل منطقی استدلالی، محدود می‌شود و با این تغییر معنایی، جهان بینی شیعه، تغییر ماهیت می‌دهد.<sup>۶۳</sup> البته دلایل ادعای وی، کافی نیست.<sup>۶۴</sup>

۳. برخی از روایات مورد استناد مستقیم و غیرمستقیم در متن کتاب، فاقد ارجاع بوده<sup>۶۵</sup> که این امر با روش علمی در بررسی و تحلیلی متون، منافات دارد.

#### ۴-۲-۲. شاخص دوم: صحت متنی

پس از تأیید صلاحیت سندی حدیث، باید به تأیید صحت متنی آن همت گمارد. نکته اساسی در عنایت به آفت‌های برجسته‌ای که امکان وقوع آنها در هنگام صدور<sup>۶۶</sup> یا نقل حدیث<sup>۶۷</sup> وجود دارد، بوده و راهکار اساسی، تطبیق نسخه‌های مختلف حدیث است.<sup>۶۸</sup> بدیهی است که امیرمعزی به طور تخصصی به موارد مذکور نپرداخته است، اما از نسخ و تقیه به عنوان عوامل اختلاف حدیث یاد کرده و اعلام داشته است که در هر حالت، مفهوم احادیث نباید مخالف با آموزه‌های قرآنی باشد.<sup>۶۹</sup> امیرمعزی در باره تقیه - که در اصطلاح به معنای نهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفان به منظور حفظ خود از

63. The Divine Guide in Early Shi'is, p11.

۶۴. «نظریه امامت باطنی در تشیع نخستین» در بوته نقد، ص ۱۸۹.

۳. for example: The Divine Guide in Early Shi'is, p28-29.

۶۶. شامل بیان تدریجی (معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ص ۱۵۸-۱۵۷)، نسخ (الکافی، ج ۱، ص ۶۴)، تقیه (المحاسن، ج ۱، ص ۲۷۵) و توریه (بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۳۲۹).

۶۷. شامل تحریف (معجم مصطلحات الرجال و الدراریه، ص ۱۴۹)، تصحیف (الوجیزه فی علم الدراریه، ص ۵)، قلب (مقباس الهدایه فی علم الدراریه، ج ۱، ص ۲۸۸)، درج (الرواشح السماویة، ص ۲۱۰)، سقط (مقباس الهدایه فی علم الدراریه، ج ۱، ص ۲۵۳)، اضطراب (تهایه الدراریه، ص ۴۳۲)، تقطیع نادرست، اختصار «تقطیع حدیث، علل و پیامدهای آن»، ص ۶۵، نقل معنا (قواعد التحدیث، ص ۲۲۸)، آهنگ سخن (آسیب شناخت حدیث، ص ۱۲۴) و وضع و دس (اختیار معرفه الرجال، ص ۲۲۵).

۶۸. روش فهم حدیث باب اول و دوم، ص ۶۲.

69. The Divine Guide in Early Shi'is, p26.

آسیب‌های دینی و دنیایی است<sup>۷۰</sup> - معتقد است امامان علیهم‌السلام به منظور حفظ اسرار<sup>۷۱</sup> و نجات یافتن از شهادت،<sup>۷۲</sup> به تقیّه می‌پرداختند. بدین رو، سه مطلب از سیره و احادیث امامان علیهم‌السلام و ناقلان حدیث به دست می‌آید:

الف. نفی غالیان توسط امامان علیهم‌السلام بر اساس تقیّه و به منظور حفظ اسرار و جلوگیری از انتشار معارف باطنی امامان علیهم‌السلام بود و اندیشه غالیان مورد انکار امامان علیهم‌السلام نبود.<sup>۷۳</sup> در بررسی این نظریه معرّی، سه نکته قابل ذکر است:

۱. عقاید گوناگون غالیان<sup>۷۴</sup> در صدد نفی اصول عقاید اسلام بود.<sup>۷۵</sup> در واقع، آنان در ظاهر معتقد به اسلام بودند، اما به امامان علیهم‌السلام نسبت الوهیت و نبوت داده و در وصف فضایل آنها از حد مجاز تجاوز نمودند<sup>۷۶</sup> که نتیجه آن، اهتمام بر تخریب وجهه اهل بیت علیهم‌السلام بود.<sup>۷۷</sup> احادیث متعدّدی از امامان علیهم‌السلام در مقام لزوم حفظ اسرار ایشان، وارد شده است.<sup>۷۸</sup> به فرموده امامان علیهم‌السلام، در دسر کسی که اسرار ایشان را فاش می‌کند، از در دسر دشمن اهل بیت علیهم‌السلام، بیشتر بوده و افشای اسرار امامان علیهم‌السلام به مثابه قتل عمده ایشان است.<sup>۷۹</sup> غالیان نیز از توان مندی‌های بی نظیر امامان علیهم‌السلام مطلع بودند و برخی از توان مندی‌ها و اسرار امامان علیهم‌السلام را بر اساس سلیقه خود برای عموم مردم بیان می‌کردند که به عقاید باطل و کفرآمیز<sup>۸۰</sup> منتهی می‌شد. ۳. بر اساس فرمایش علوی علیه‌السلام هر فرد، دارای ظرفیت فهم خاصی است<sup>۸۱</sup> و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز با توجه به ضعف عقول برخی از افراد، تأکید فرموده‌اند که اگر حکمت را به غیر از اهل آن بدهید، به آن ظلم خواهید کرد.<sup>۸۲</sup> پس بیان تمامی توان مندی‌ها و کرامات

۷۰. تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص ۱۳۷.

71. The Divine Guide in Early Shi'is, p26.

72. Ibid, p69.

73. The Divine Guide in Early Shi'is, p129.

۷۴. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۴۶.

۷۵. بحوث فی الملل والنحل، ج ۷، ص ۱۱.

۷۶. تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص ۱۳۱.

۷۷. ر.ک: الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۰۸.

۷۸. به عنوان نمونه: الکافی، ج ۲، ص ۲۲۳.

۷۹. المحاسن، ج ۱، ص ۲۵۶.

۸۰. فرقه‌های اسلامی و مسأله امامت، ص ۶۶: المقالات والفرق، ص ۱۰۰: فرق الشیعه، ص ۴۳.

۸۱. نهج البلاغه، ص ۴۹۵.

۸۲. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۸۰.

امامان علیهم‌السلام برای همه افراد، موجب گمراهی برخی از افراد و برخورد شدید حکومت با امامان علیهم‌السلام و پیروان ایشان می‌شد.

نتیجه، آن که مسلم است بیان برخی از ویژگی‌ها و توان‌مندی‌های امامان علیهم‌السلام برای افرادی که ظرفیت لازم را نداشتند، مصداق افشای اسرار و امری ناپسند بوده که زمینه ایجاد غلو در برخی از افراد و موضع‌گیری عده‌ای را علیه امامان علیهم‌السلام، ایجاد کرده است؛ اما نمی‌توان لفظ «اسرار» را فقط در اسرار باطنی منحصر دانست و نفی غالیان را توسط امامان علیهم‌السلام در حفظ اسرار و جلوگیری از انتشار معارف باطنی امامان علیهم‌السلام خلاصه کرد. بدین رو، نمی‌توان به بهانه تقیه و حفظ اسرار، روایات نقل شده توسط غالیان را به عنوان مبنای شناخت امامان علیهم‌السلام قرار داد.

ب: امامان علیهم‌السلام تمایلی برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی نداشتند و می‌توان آنها را از نظر حیات سیاسی در چهار دسته بررسی کرد: ۱. امام علی علیه‌السلام، امام حسن علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام که در برهه‌ای از زندگی، بر اساس اصرار و فشار مردم به فعالیت سیاسی پرداختند. ۲<sup>۸۳</sup>. امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم‌السلام هیچ‌گونه فعالیت سیاسی نداشتند. ۳<sup>۸۴</sup>. «مسلم بن عقیل» موجب دشمنی با بنی امیه شد تا در نتیجه، امام حسین علیه‌السلام به مبارزه مسلحانه پردازد و امامان بعد از آن حضرت، حرکت ایشان را به عنوان حرکتی سیاسی معرفی نکرده‌اند. ۴<sup>۸۵</sup>. امام زمان علیه‌السلام رجعتی پیروزمندانه خواهد داشت و هر کوششی برای تشکیل حکومت از سوی شیعیان در دوران غیبت، محکوم به شکست است. ۸<sup>۸۶</sup> بحث اکراه امامان علیهم‌السلام از فعالیت‌های سیاسی در بخش فهم مقصود حدیث بررسی خواهد شد.

ج: امیرمعتز معتقد است پیروان امامان علیهم‌السلام با مفهوم غیبت آشنا بودند، اما اکثر کتاب‌های مرتبط با این زمینه، از میان رفته بود. همچنین به دلیل تقیه، اطلاعات مربوط به تعداد امامان، امام دوازدهم و دو غیبت صغرا و کبرا<sup>۸۷</sup> و ظهور ایشان در منابع مرتبط با دوران

83. The Divine Guide in Early Shi'ism, p62-64 .

84. Ibid, p64-66.

85. Ibid, p66-67.

86. Ibid, p67-69.

۸۷. امیرمعتز در مقاله «Islam in Iran vii. The Concept of Mahdi in Twelver Shi'ism» تأکید دارد که بسیاری از اعتقادات مسلمانان در باره منجی، غیبت و مؤلفه‌های آن، مدیون ادیان پیشین، مانند مانویت، زردشت، یهودیت و مسیحیت است .

غیبت صغرا، مانند بصائر الدرجات ذکر نشده و این روایات در منابع بعد از آن، مانند آثار کلینی و شیخ صدوق نقل شده است. علت این اعتقاد، نظر نعمانی و ابن عیاش مبنی بر عدم نقل کتبی موارد مذکور جهت حفظ جان امام زمان علیه السلام است.<sup>۸۸</sup> در تکمیل بحث، امیرمعزی در مقاله‌ای تصریح دارد:

تنها از زمان شیخ کلینی بود که اعتقاد به وجود امام دوازدهم در منابع شیعه به تواتر به چشم می‌خورد که پذیرش این دیدگاه در ابتدا با مقاومت بسیاری از سوی شیعیان مواجه شد.<sup>۸۹</sup>

در بررسی این نظر امیرمعزی نیز چهار نکته قابل طرح است: ۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام ضمن بیان جنبه‌های مختلف غیبت، مانند بیان عام مفهوم غایب بودن امام،<sup>۹۰</sup> الهی و مقدر بودن غیبت<sup>۹۱</sup> و اشاره به نام امام زمان<sup>۹۲</sup> و برخی از اقدامات لازم، مانند تشکیل سازمان وکالت برای ارتباط با امام،<sup>۹۳</sup> زمینه لازم برای غیبت امام زمان علیه السلام را به صورت کامل در یاران و خواص و به صورت قابل قبولی برای عموم مسلمانان، به ویژه شیعیان ایجاد کرده بودند. ۲. فشارهای حکومت علیه امامان علیهم السلام و شیعیان ایشان، اعم از سب ایشان بر منابر،<sup>۹۴</sup> تهدید، آواره کردن از محل زندگی، قطع کردن دست و پا، به دار آویختن از شاخه‌های خرما، بیرون آوردن چشم<sup>۹۵</sup> و قرار دادن آنها به صورت زنده در دیوارها و پوشاندن روی آنها،<sup>۹۶</sup> موجب شده بود تا فضای عمومی جامعه برای بیان جزئیات بیشتر در باره امام زمان علیه السلام آمادگی لازم را نداشته باشد. ۳. تلاش برای حصر امام عسکری علیه السلام و مراقبت مداوم از ایشان به منظور جلوگیری از ولادت امام زمان علیه السلام بیان گراطلاع حکومت از اهمیت ولادت ایشان است، اما با وجود تمام موانع، تصریح مستقیم امام عسکری علیه السلام به امامت امام زمان علیه السلام و تلاش امام

88. The Divine Guide in Early Shi'ism, p.103.

89. Islam in Iran vii. The Concept of Mahdi in Twelver Shi'ism», p.136-143.

۹۰. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۹۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱.

۹۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۶.

۹۳. الغیبه (طوسی)، ص ۳۵۴.

۹۴. تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۱، ص ۷۳؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۴.

۹۵. کتاب سلیم، ص ۴۵۷-۴۵۸.

۹۶. الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۵۲۶.

۹۷. الغیبه (طوسی)، ص ۲۱۵.

۹۸. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

زمان علیه السلام برای معرفی خود از طریق اقداماتی چون اقامه نماز بر پیکر مطهر پدر،<sup>۹۹</sup> توقیعات<sup>۱۰۰</sup> و انجام برخی معجزات،<sup>۱۰۱</sup> ابهامات را از میان برداشته است. ۴. متأسفانه برخی از آثار حدیثی متقدم بر اساس دلایل متعددی از بین رفته و به دست متأخران نرسیده است که یکی از دلایل آن، تقیّه<sup>۱۰۲</sup> بوده است.

نتیجه، آن که تقیّه عامل مهمی برای عدم رواج کتبی آموزه‌های روایی در باره تعداد امامان و بحث غیبت و ظهور امام زمان علیه السلام بود. در واقع، معارف اهل بیت علیهم السلام به صورت کتبی در اختیار خواص و به صورت شفاهی در اختیار عموم مردم مرتبط با امامان علیهم السلام قرار داشت، اما تلاش حاکمان جور و سردمداران مکاتب انحرافی در مدیریت فکری جامعه، مانع از انتقال مناسب آموزه‌های مذکور برای تمامی مردم بود. پس از غیبت کبری، نقل کتبی احادیث مرتبط، رواج یافت.

#### ۴-۲. مرحله دوم: فهم متن حدیث

می‌توان با دقت در فهم مفردات و ترکیبات متن، به فهم عام حدیث - که در ابتدا به ذهن مخاطبان آشنا به زبان عربی، بدون توجه به قرینه‌ها و تحمیل پیش فرض‌ها می‌رسد - دست یافت:

#### ۴-۲-۱. شاخص اول: فهم مفردات

از جمله اقدام‌های اساسی در فهم متن حدیث، دست‌یابی به معنای صحیح هریک از واژه‌های به کار رفته در متن حدیث است. بدین منظور، باید بر علوم صرف و فقه اللغة در ادبیات عرب و غریب الحدیث در علم الحدیث تسلط داشت.<sup>۱۰۳</sup> از جمله بارزترین مباحث امیرمعزی در کتابش، تطوّر معنایی واژگانی مانند عقل و علم است. دقت در تطوّر معنای اصطلاحات از جمله نقاط قوت روش وی در فهم احادیث است؛ هر چند که برخی از معانی که وی ارائه می‌کند، فاقد شواهد کافی است. بن‌مایه نگرش باطنی امیرمعزی به جایگاه امام را می‌توان در اعتقاد وی به تغییر معنای

۹۹. الغیبه (طوسی)، ص ۲۵۷.

۱۰۰. همان، ص ۲۸۶.

۱۰۱. همان، ص ۲۸۱.

۱۰۲. الرجال، ص ۳۲۶.

۱۰۳. روش فهم حدیث، ص ۷۸-۷۴.

عقل از دوران شیخ مفید دانست. وی بیان داشته که عقل در لغت به معنای مهارت بوده که به پای چارپایان زده‌اند،<sup>۱۰۴</sup> و در قرآن نیز عقل در برابر جهل به کار رفته است که شامل آگاهی یا ادراک الهی است که می‌تواند به طور همزمان متشکّل از بازتاب مراقبت فوری، به خاطر سپردن، شهود و دانش عمیق باشد.<sup>۱۰۵</sup> اما وی معتقد است براساس روایات امامان علیهم‌السلام، به عنوان نمونه حدیث لشکر عقل از امام صادق علیه‌السلام، و تأکید افرادی چون کلینی در اختصاص بخش اول از کتب روایی خود به بحث عقل و با تحلیل مفهوم عقل از جنبه‌های هستی‌شناختی، اخلاقی - معرفت‌شناختی، معنوی و نجات‌شناختی،<sup>۱۰۶</sup> معنای صحیح عقل در امامیه نخستین، خرد قدسی یا بصیرت است که گستره آن شامل امور فراعقلی و باطنی نیز می‌گردد. اما از زمان شیخ مفید و شاگردانش و با توجه به مواجهه ایشان با فعالیت‌های معتزله و متون ترجمه شده یونانی، به ناچار واژه عقل به عنوان معادل استدلال و مباحث کلامی به کار گرفته شد.<sup>۱۰۷</sup> در نتیجه آن تغییر معنا، برخی از جنبه‌های امامت - که در امامیه نخستین با توجه به مفهوم اولیّه عقل که ابزاری برای فهم فراعقلی نیز بود، قابل فهم بودند - با عقل استدلالی، قابلیت فهمیده شدن نداشتند و مطرود واقع شدند. به نظر می‌رسد با یک نگرش کلی، می‌توان روش استنتاج امیرمعرّی را این گونه متصوّر شد:

صغرا: روایات نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام - که در آثار صفّار تا شیخ صدوق نقل شده است - بیان گرمقام رفیع و گستره وسیع فهم عقل هستند.  
 کبرا: از زمان شیخ مفید و براساس لزوم مواجهه با افکار معتزلی و یونانی، کارکرد و توانمندی عقل، محدود شد و عقل، معادل استدلال و علم کلام در نظر گرفته شد.  
 نتیجه: با تغییر مفهوم عقل در زمان شیخ مفید، برخی از آموزه‌های مرتبط با امامت - که جنبه باطنی و فراعقلی داشتند - مطرود شدند.  
 در مقام بررسی و نقد نظرگاه امیرمعرّی، نکاتی متناسب با روش استنتاج مذکور ارائه می‌گردد:  
 در بررسی صغرای استنتاج امیرمعرّی، سه نکته قابل ذکر است:

104. The Divine Guide in Early Shi'is, p6.

105. Ibid, p7.

106. Ibid, p6-10.

107. Ibid, p11.

۱. امیرمعزی منظور خود از فهم امور باطنی و فراعقلی توسط عقل و همچنین موضع امامیه پیش از شیخ مفید در مقابل امور مخالف با عقل استدلالی را تبیین نکرده است.

۲. آنچه از بررسی روایات مورد استناد امیرمعزی به دست می‌آید، ارجمندی و نقش بی‌بدیل عقل در فهم دین الهی و کسب سعادت است. با توجه به تعریف لغوی عقل، منع کردن،<sup>۱۰۸</sup> و مفهوم آن در آثار معاصر اهل بیت علیهم‌السلام - که شامل بر سه مرتبه «نیروی فطری و غریزی»، «فهم مسائل و موضوعات مختلف دنیوی و دینی» و «بصیرت و معرفت» که به ترتیب از نظر تحقق، متوقف بر یکدیگرند<sup>۱۰۹</sup> - و تأکید آموزه‌های قرآنی<sup>۱۱۰</sup> و روایی<sup>۱۱۱</sup> بر محدودیت‌های عقل در فهم برخی از امور، این نکته اساسی به دست می‌آید که نقش عقل، فهم کلیات دین است که با پذیرش آن، ضمن بازداشتن انسان از گمراهی، جزئیات امور دینی نیز با تبعیت از سیره فرستادگان الهی، پیامبران و امامان علیهم‌السلام، در اختیار انسان قرار می‌گیرد تا جایی که به تعبیر امام کاظم علیه‌السلام، انسان به مقام «العاقل عن الله»<sup>۱۱۲</sup> می‌رسد که در آن، بر مبنای پذیرش اولیه عقلی و با بصیرتی که خداوند به او هدیه داده است، در برابر تمامی اوامر الهی، تسلیم می‌گردد و به فهم تمام امور (عقلی و فراعقلی) - که در مسیر هدایت و کمال بدان نیازمند است - نایل می‌آید.

۳. با توجه به تعریف مذکور و مراتب عقل، می‌توان نگاه امیرمعزی را با سومین مرحله عقل که همان بصیرت الهی است تطبیق داد که البته به هیچ‌جه نمی‌توان از دو مرحله قبلی عقل، چشم پوشید.

در بررسی کبرای استنتاج امیرمعزی، چهار نکته قابل ذکر است:

۱. نمی‌توان تأکید بر عقل استدلالی را - که به فراخور مقتضیات زمان و به منظور دفاع از آموزه‌های اصیل اسلامی انجام پذیرفت - به معنای نفی عقل شهودی توسط شیخ مفید دانست؛ زیرا آموزه‌هایی فراتر از عقل استدلالی نیز توسط ایشان گزارش شده است.<sup>۱۱۳</sup>
۲. برخلاف نظر امیرمعزی، در هیچ تعریف معتبری از علم کلام، آن را به عنوان معادلی

۱۰۸. کتاب العین، ص ۱۵۹.

۱۰۹. العقل و فهم القرآن، ص ۲۱۹-۲۰۱.

۱۱۰. سوره بقره، آیه ۱۵۱.

۱۱۱. الکافی، ج ۱، ص ۶۰؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۸.

۱۱۲. تحف العقول، ص ۲۷۳.

۱۱۳. الفصول العشرة فی الغیبة، ص ۹۲-۱۰۳.

برای عقل استدلالی در نظر نگرفته‌اند.

۳. باید توجه داشت که امامان علیهم‌السلام نیز به تشویق یاران خود برای ورود به مباحث کلامی مبتنی بر عقل استدلالی<sup>۱۱۴</sup> می‌پرداختند که این امر بیان گراهمیت این مباحث در فهم امور دینی است.

۴. با توجه به آن که منابع حدیثی که پیش از شیخ مفید تدوین شده‌اند، در زمان شیخ مفید و پس از آن نیز در دسترس قرار داشت، نمی‌توان تفکر رایج در مکتب فکری امامیه را تنها بر نگرش‌های استدلالی شیخ مفید و شاگردانش استوار کرد.

با بررسی نتیجه استنتاج امیرمعزی، ضمن آن که به نظر می‌رسد وی در ارائه شواهد کافی برای ادعای خود ناموفق است، این نکته اساسی قابل تأمل است که با توجه به تأثیرپذیری امیرمعزی از هانری کربن در امور باطنی، برخی از تحلیل و برداشت‌های وی از روایات در راستای تأیید منویات گرایش مذکور است که این امر، بیان گرنوعی تهافت درونی گفته‌های امیرمعزی و در تضاد با روش پدیدارشناسانه - که مورد تأکید وی قرار گرفته - خواهد بود.

#### ۲-۲-۴. شاخص دوم: فهم ترکیبات

پس از فهم معانی واژه‌ها، نوبت به فهم عبارت‌هاست که می‌توان با کنار هم قرار دادن واژه‌ها و براساس تسلط و آگاهی از علوم نحو و بلاغت، به آن مهم دست یافت. از جمله نقاط قوت امیرمعزی می‌توان به تلاش وی در فهم و تحلیل عبارت‌های حدیثی در باره وجود مرحله به مرحله امامان علیهم‌السلام پیش از خلقت<sup>۱۱۵</sup> اشاره کرد. البته فهم امیرمعزی از برخی از عبارت‌ها نیز خالی از اشتباه نیست؛ به عنوان نمونه، در بیان کلی منابع علم امام به «منابع آسمانی»،<sup>۱۱۶</sup> «منابع نهفته»،<sup>۱۱۷</sup> «منابع کتبی»<sup>۱۱۸</sup> و «میراث شفاهی»<sup>۱۱۹</sup> اشاره می‌کند و در تبیین منابع آسمانی به رابطه و حیانی امام با عالم غیب، ملاقات با فرشتگان یا شنیدن صدای غیبی، و در بحث منابع نهفته به سوزش پرده گوش و نشانه‌هایی در قلب اشاره می‌کند. در واقع وی، نشانه‌های دریافت الهام الهی را به عنوان یک منبع مستقل برای

۱۱۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰.

115. The Divine Guide in Early Shi'is, p 29-55.

116. Ibid, p70.

117. Ibid, p72.

118. Ibid, p73.

119. Ibid, p75.



دریافت علم امام معرفی می‌کند که از فهم نادرست وی از عبارات روایات نشأت می‌گیرد.

#### ۴ - ۳. مرحله سوم: فهم مقصود حدیث

پس از آن که در مرحله فهم متن حدیث، مراد استعمالی یا همان معنای ظاهری کلام معصوم علیه السلام به دست آمد، لازم است تا به فهم مقصود و مراد جدی معصوم علیه السلام نیز دست یافت. در این زمینه، ابتدا باید تمامی قرینه‌های مرتبط با حدیث و اسباب ورود آن را به دست آورد و ضمن جمع‌آوری احادیث مشابه و معارض با آن، به دستاوردهای بشری مرتبط نیز عنایت داشت.

#### ۴ - ۳ - ۱. شاخص اول: گردآوری قرینه‌ها و اسباب ورود حدیث

از نکات مهم در فهم مقصود حدیث، گردآوری قرینه‌ها و اسباب ورود حدیث است. قرینه، هر چیزی است که همراه کلام بوده و مخاطب را به آن معنایی که مراد جدی متکلم است، راهنمایی می‌کند<sup>۱۲۰</sup> که دارای گونه‌هایی چون کلامی<sup>۱۲۱</sup> و غیر کلامی<sup>۱۲۲</sup> است. سبب ورود حدیث نیز در باره اسبابی که موجب شده تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام در باره آن سخن بگویند، بحث می‌کند. این اسباب به شکل قرینه‌هایی چون شرایط تاریخی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، حالت‌های گفت و گو و شخصیت مخاطب و پرسش‌های نهان راوی حدیث هستند.<sup>۱۲۴</sup> بهترین شیوه برای یافتن اسباب ورود حدیث، جمع‌آوری احادیث مشابه و مخالف و آگاهی از جریان‌های سیاسی و فتاوی مخالفان اهل بیت علیهم السلام است تا از این مسیر، احادیث تقیه‌ای یا توریه‌ای نیز آشکار گردند.<sup>۱۲۵</sup>

پیش‌تر اشاره گردید که امیرمعزی معتقد است بر اساس تقیه، فعالیت امامان علیهم السلام بیشتر باطنی بوده و رویکرد برخی از آنها به سیاست نیز از روی اکراه بوده است؛ اما این ادعا برخلاف قراین تاریخی است؛ به عنوان نمونه، امام علی علیه السلام برای اثبات حقانیت خود در زمامداری مسلمانان و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن چنان ایستادگی نمود که خلفای غاصب مجبور شدند همسر ایشان را به شهادت برسانند و به منظور در امان ماندن از ادعای حقانیت آن حضرت،

۱۲۰. فرهنگ نامه اصول فقه، ص ۶۳۰.

۱۲۱. موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج ۲، ص ۱۳۱۵.

۱۲۲. الوافیة فی اصول الفقه، ص ۱۲۸.

۱۲۳. الوسیط فی علوم ومصطلح الحدیث، ص ۴۶۷.

۱۲۴. روش فهم حدیث، ص ۱۲۸.

۱۲۵. همان، ص ۱۳۰.

به تحقیق ایشان به منظور انزوای ایشان پردازند.<sup>۱۲۶</sup> همچنین براساس قراین تاریخی و روایی، امام حسین علیه السلام از بیعت با یزید خودداری کردند و با حرکت به سوی کوفه تصمیم به امر به معروف به منظور پیاده سازی صحیح آموزه های اسلامی داشتند؛ اما با عدم حمایت مردم کوفه و مخالفت لشکر حکومتی با بازگشت آن حضرت، جنگ مسلحانه ای به وقوع پیوست.<sup>۱۲۷</sup>

#### ۴-۳-۲. شاخص دوم: توجه به احادیث مشابه و معارض

از دیگر شاخصه ها جهت دست یابی به مقصود حدیث، عنایت بر احادیث مشابه و تشکیل خانواده حدیث و همچنین توجه به احادیث معارض است. می توان مهم ترین کارکرد تشکیل خانواده حدیث را در شناخت انواع روایات: مدرج، مزید، منقوص، مقلوب، مضطرب، مصحف و محرف، کشف روابط میان روایات: رابطه تأویل، تبیین، تخصیص، تعمیم، دلالت و نسخ و نسبت و کشف معنای جامع از مجموع روایات مشابه دانست.<sup>۱۲۸</sup> همچنین باید به احادیث معارض با حدیث - که براساس عوامل متعددی، مانند بدفهمی، تقیّه، نیافتن قرینه ها، نقل به معنا، جعل حدیث، تدریجی بودن بیان احکام، متفاوت بودن مخاطبان و اختلاف سطح درک و بینش راویان، اختصاص داشتن به موضوع یا زمان خاص، تفاوت میان احکام حکومتی و اولیه و احکام کلی و شخصی، تصحیف و دخالت های عمدی و غیر عمدی راویان و ناسخان ایجاد شده اند<sup>۱۲۹</sup> - نیز عنایت داشت.

امیرمعرزی معتقد است قرآن، یکی از منابع کتبی علم امامان علیهم السلام است؛ ولی قرآنی که مدنظر آنهاست؛ متنی نیست که همگان با آن آشنا هستند. وی ضمن اشاره به سوره های اضافی (نورین و ولایه) موجود در نسخه های قدیمی قرآن، تأکید دارد به دلیل جمع آوری قرآن در زمان عثمان، امامان علیهم السلام و پیروان ایشان، تردید جدی در آن داشته و براساس روایات امامیه، بیش از نیمی از قرآن دچار تحریف شده است. مبنای این نظر، عدم پذیرش مصحف علی علیه السلام توسط ابوبکر است.<sup>۱۳۰</sup>

چنان که امیرمعرزی به مجموع احادیث موافق و مخالف در بحث تحریف قرآن حدیث

۱۲۶. رک: حیات فکری و سیاسی ائمه، ص ۵۳.

۱۲۷. وقعة الطف، ص ۸۱، ۱۴۷ و ۱۸۱.

۱۲۸. «خانواده حدیث و نقش آن در فقه الحدیث»، ص ۷۴-۴۶.

۱۲۹. الرافد فی علم الاصول، ص ۲۶.

عنایت داشت، به دو نکته دست پیدا می‌کرد:

۱. هیچ روایتی از امامان علیهم‌السلام در باره تحریف لفظی قرآن صادر نشده و عموم امامیه بر عدم تحریف قرآن، اتفاق نظر دارند. وجود برخی آثار و روایات<sup>۱۳۱</sup> بیان‌گر وقوع تحریف در قرآن نیز توسط دانشمندان و محققان بررسی ورد شده است.<sup>۱۳۲</sup>
۲. کتابی که حضرت علی علیه‌السلام به ابوبکر ارائه کرد، مصحف ایشان بود که در آن، متن قرآن به ترتیب نزول، ذکر<sup>۱۳۳</sup> و باطن و تأویل آیات<sup>۱۳۴</sup> بیان شده بود. بدیهی است اگر قرآنی که در دست مردم بود، با متن قرآن مصحف آن حضرت متفاوت بود، ایشان به سادگی دست از قرآن خود برنمی‌داشتند، بلکه به طور قطع، به وسیله آن به احتجاج می‌پرداختند و تنها به اعراض از خلفا قانع نمی‌شدند.<sup>۱۳۵</sup>

#### ۴-۳-۳. شاخص سوم: بهره‌گیری از دستاوردهای بشری

از شاخصه‌های دیگر جهت دست‌یابی به مقصود صحیح از متن حدیث، بهره‌گیری از دستاوردهای بشری در دو حوزه دانش‌های بشری، شاخه‌های مرتبط از علوم انسانی و تجربی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاست و حقوق، و دانش‌های دینی، تفسیر عالمان دین از علم مرتبط با حدیث مانند تفسیر قرآن، فقه و اخلاق است که براساس آنها، معنای فهمیده شده از حدیث، سنجیده می‌شود.<sup>۱۳۶</sup>

نقش بی‌بدیل آموزه امامت و امامان علیهم‌السلام در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها، اقتضای رابطه آن با علوم مختلف را دارد؛ به عنوان نمونه می‌توان به تحلیل توصیه‌های حضرت علی علیه‌السلام به مالک اشتر (عهدنامه مالک اشتر)<sup>۱۳۷</sup> با نگاهی به دانش‌های مدیریت،<sup>۱۳۸</sup> اقتصاد<sup>۱۳۹</sup> و

۱۳۱. نمونه: کتاب *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب*، اثر محدث نوری و یا روایات تحریف نما در کتاب *الکافی*.

۱۳۲. کتاب محدث نوری توسط دانشمندان شیعه (رک: علامه عسکری در «القرآن الکریم و روایات المدرستین» و روایات تحریف‌نمای *الکافی* نیز توسط محققان شیعه (رک: «نقد و فهم روایات تحریف در الکافی»، ص ۷-۲۶) بررسی ورد شده‌اند.

۱۳۳. *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ج ۲، ص ۳۸۶.

۱۳۴. *الکافی*، ج ۱، ص ۲۲۸.

۱۳۵. *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۲، ص ۱۱۶.

۱۳۶. روش فهم حدیث، ص ۱۷۰-۱۷۳.

۱۳۷. *نهج البلاغه*، ص ۴۲۶.

۱۳۸. رک: «بررسی ویژگی‌های مدیران به عنوان تصمیم‌گیران از دیدگاه امام علی علیه‌السلام (عهدنامه مالک اشتر)»، ص ۲۰۸-۱۹۱.

سیاست<sup>۱۴۰</sup> اشاره کرد.

آنچه در کتاب امیرمعزی نمود بیشتری دارد، تأثیرپذیری وی از استاد عرفان خود هانری کربن است و تحلیل آموزه امامت با نگاهی عرفانی و باطنی است.<sup>۱۴۱</sup> وی در بخش‌هایی از کتابش از تاریخ نیز بهره برده است.<sup>۱۴۲</sup> از جمله نقاط قوت وی، تلاش برای تبیین سازمان یافته از مفهوم امام براساس یکی از روش‌های نوین پژوهش در علوم انسانی (پدیدارشناسانه) است.

### نتیجه‌گیری

برآیند مباحث مطرح شده در این پژوهش را می‌توان در چهار نکته بیان داشت:

۱. از جمله رویکردهای قابل توجه در واکاوی پژوهش‌های خاورشناسان، به ویژه در مباحث مرتبط با آموزه امامت، بررسی و نقد روش آنها در فهم احادیث است.
۲. می‌توان برای فهم حدیث، فرایندی شامل سه مرحله «دستیابی به حدیث صحیح»، «فهم متن حدیث» و «فهم مقصود حدیث» در نظر گرفت. در مرحله اول، شاخص‌های تأیید صحت سندی و متنی حدیث، در مرحله دوم، شاخص‌های فهم مفردات و ترکیبات حدیث و در مرحله سوم، شاخص‌های گردآوری قرینه‌ها و اسباب صدور حدیث، توجه به احادیث مشابه و معارض و بهره‌گیری از دستاوردهای بشری مورد عنایت خواهد بود.
۳. بررسی عملکرد امیرمعزی در فهم احادیث براساس کتاب راهنمای ربانی در تشیع نخستین بیان‌گر وجود نقاط قوتی چون استفاده از منابع معتبر و متقدم مرتبط، دقت در تطوّر معنایی اصطلاحات، تلاش برای فهم و تحلیل برخی از عبارات‌های حدیثی و تلاش برای تبیین سازمان یافته از مفهوم امام در عملکرد وی است.
۴. می‌توان به عدم دقت در استناددهی به منابع، استفاده ناصحیح از اصل تقیّه در توجیه برخی از احادیث، عدم توجه به احادیث موافق و معارض، معنایابی بدون استناد برای مفردات حدیثی و عدم توجه به قراین، به عنوان برخی از نقاط ضعف عملکرد وی، اشاره

۱۳۹. رک: «بررسی نکات اقتصادی در عهدنامه مالک اشتر»، ص ۶۷-۶۰.

۱۴۰. رک: «حکمت اصول سیاسی اسلام (ترجمه و تفسیر فرمان مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به مالک اشتر)»، ص ۳۶.

۱۴۱. به عنوان نمونه: توجه ویژه وی به جوانب عرفانی وجود ملکوتی امام زمان (ص ۱۰۸-۱۱۵).

۱۴۲. به عنوان نمونه: تحلیل زمان‌بندی از زمان پیدایش برخی واژگان، مانند ولایت، نیابت عامه و اجتهاد (ص ۱۳۳-۱۴۱).

کرد.

### کتابنامه

- إختيار معرفة الرجال، محمد بن عمر كشي، تصحيح: محمد بن حسن طوسي، تحقيق: حسن مصطفوي، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی، ۱۴۰۹ق.
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- اصل الشیعه وأصولها، محمد حسین آل کاشف الغطاء، بیروت: مؤسسه الأعلمی، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
- أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت، حسن بن یوسف حلّی، تحقیق: محمد نجمی زنجانی، چاپ دوم، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۳ش.
- آسیب شناخت حدیث، عبد الهادی مسعودی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
- بحار الأنوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- بحوث فی الملل والنحل، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی - مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليه السلام، محمد بن حسن صفار، تصحیح: محسن کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- تاریخ مدینه دمشق، ابوالقاسم علی بن حسن ابن عساکر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- تصحیح اعتقادات الإمامیه، محمد بن محمد مفید، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- تقریب المعارف، ابوالصلاح حلبی، قم: انتشارات الهادی، ۱۴۰۴ق.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی صدوق، قم: دار الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- الجمل، محمد بن محمد مفید، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه عليه السلام، رسول جعفریان، قم: موسسه انصاریان، چاپ

- یازدهم، ۱۳۸۷ ش.
- *الرافد فی علم الاصول*، سید علی سیستانی، سید منیر سید عدنان، قم: مکتبة آية الله سيستاني، ۱۴۱۴ ق.
- *ربيع الابرار ونصوص الاخيار*، محمود زمخشري، بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ۱۹۹۲ م.
- *الرجال*، احمد بن علي نجاشي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعة المدرسين بقم، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
- *رسائل الشريف المرتضى*، سيد مرتضى علم الهدى، تحقيق: سيد مهدي رجايي، قم: دار القرآن الكريم، ۱۴۰۵ ق.
- *الرواشح السماوية*، محمد باقر ميرداماد، قم: دار الحديث، ۱۳۸۰ ش.
- *روش فهم حديث*، عبد الهادي مسعودي، تهران: انتشارات سمت و دانشكده علوم حديث، ۱۳۸۹ ش.
- *روش شناسی مطالعات دینی*، احد فرامرزق راملكی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵ ش.
- *الشافی فی الإمامه*، سيد مرتضى علم الهدى، تحقيق: سيد عبد الزهراء حسینی، تهران: مؤسسه الصادق عليه السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- *العقل وفهم القرآن*، حارث بن اسد محاسبی، تحقيق: حسين القوتلی، بيروت: دار الفكر، ۱۳۹۱ ق.
- *عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور، تحقيق: مجتبی عراقی، قم: دار سيد الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
- *عیون أخبار الرضا عليه السلام*، محمد بن علی صدوق، تحقيق: مهدي لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- *عیون الحكم والمواظ*، علی بن محمد لیثی واسطی، تحقيق: حسین حسنی بیرجندی، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ ش.
- *الغدیر*، عبد الحسين امینی، بيروت: دار الكتاب العربي، ۱۳۹۷ ق.
- *الغیبة*، محمد بن ابراهیم نعمانی، تصحيح: علی اكبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- *الغیبة*، محمد بن حسن طوسی، تصحيح: عباد الله تهرانی، علی احمد ناصح، قم: دار

- المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- فرق الشیعه، حسن بن موسی نوبختی، بیروت: دار الأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- فرقه های اسلامی و مسأله امامت، ناشئ اکبر، ترجمه: علیرضا ایمانی، قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ش.
- فرهنگ نامه اصول فقه، مرکز مطالعات و مدارک اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- الفصول العشرة فی الغیبة، محمد بن محمد مفید، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- قواعد التحديث، جمال الدین قاسمی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۳۹۹ق.
- الکامل فی التاریخ، عزالدین ابی الحسن ابن اثیر، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کتاب سلیم، سلیم بن قیس هلالی، تصحیح: محمد انصاری زنجانی، قم: الهادی، ۱۴۰۵ق.
- کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تصحیح: جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، نجف: المكتبة الحیدریة، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
- معالم الدین و ملاذ المجتهدین، زین الدین بن علی شهید ثانی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ش.
- معانی الأخبار، محمد بن علی صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
- معجم مصطلحات الرجال و الدراریة، محمد رضا جدیدی نژاد، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ش.
- المقالات و الفرق، سعد اشعری قمی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۰ش.

- مقباس الهدایة فی علم الدراییة، عبد الله مامقانی، تحقیق: محمد رضا مامقانی، قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ق.
- الملل والنحل، محمد بن عبد الکریم شهرستانی، تحقیق: محمد بدران، قم: الشریف الرضی، چاپ سوم، ۱۳۶۴ش.
- منیة المرید، زین الدین بن علی شهید ثانی، تصحیح: رضا مختاری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
- موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، محمد علی تهانوی، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم / تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، مرکز نشر فرهنگی رجا، امیر کبیر، ۱۳۶۳ش.
- نهایة الدراییة، سید حسن صدر، تحقیق: شیخ ماجد، نشر المعشر، بی جا، بی تا.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
- الوافیة فی أصول الفقه، فاضل تونی، تحقیق: سید محمد حسین رضوی کشمیری، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
- الوجیزة فی علم الدراییة، محمد بن حسین بهایی، قم: بصیرتی، ۱۳۹۰ق.
- الوسیط فی علوم و مصطلح الحدیث، محمد بن محمد ابن ابی شهبه، قاهره، دار الفکر العربی، بی تا.
- وقعة الطّف، ابو مخنف کوفی، تحقیق: محمد هادی یوسفی غروی، قم: جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
- The Divine Guide In Early Shi'ism The Sources Of Esotericism In Islam, Mohammad Ali Amir-Moezzi, New York, State University, 1994.
- The Heart of Islam - Enduring Values for Humanity, Seyyed Hossein Nasr, New York, 2002.
- «اعتبارسنجی الصحیفه السجادیه»، احمد غلامعلی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم حدیث، شماره ۶۹، ۱۳۹۲ش.
- «پیشوای الهی در تشیع اولیّه»، احمد کاظمی موسوی مجله/ ایران نامه، شماره ۵۲، ۱۳۷۴ش.



- «تحلیل راهبردی از «امامت» در دکترین امام رضا علیه السلام»، حامد پوررستمی، نشریه/انتظار موعود، شماره ۳۳، ۱۳۸۹ ش.
- «تقطیع حدیث، علل و پیامدهای آن»، مجید معارف، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش دینی، شماره ۱۰، ۱۳۸۴ ش.
- «خانواده حدیث و نقش آن در فقه الحدیث»، مجید معارف، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش دینی، شماره ۸، ۱۳۸۳ ش.
- «معرفی کتاب رهنمای الوهی در تشیع نخستین ثمره کاربست روش پدیدارشناسی در پژوهشی در باب امامیه نخستین»، علی موحدیان عطار، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۱۰ و ۹ - ۱۳۸۰ ش.
- «ملاحظات در باره یک نقد»، محمد علی امیرمعتزی، مجله/ایران نامه، شماره ۵۴، ۱۳۷۵ ش.
- «نظریه امامت باطنی در تشیع نخستین در بوته نقد»، محمد جعفر رضایی، محمد نصیری، فصلنامه علمی - پژوهشی نقد و نظر، شماره ۳، ۱۳۹۱ ش.
- «نقد پنداره رویگردانی محدثان شیعه از اسناد»، محمد کاظم رحمان ستایش، مهدی غلامعلی، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲۷، ۱۳۹۴ ش.
- «ولایت در سپیده دمان شیعه اثنی عشری»، علیرضا رضایت، کتاب ماه دین، شماره ۹۱ - ۹۲، ۱۳۸۵ ش.
- «Islam in Iran vii. The Concept of Mahdi in Twelver Shi'ism» Mohammad Ali Amir Moezzi, . In Encyclopædia Iranica, Vol. XIV, colombia. 2007.
- «Phenomenology Versus Historicism: The Case Of Imamate», Mohammed AwaisRefudeen, the American journal of Islamic, n 15, 1998.
- <http://lem.vjf.cnrs.fr/spip.php?article75&lang=fr>.